

بن‌مایه‌های مشترک عشق به وطن در اشعار ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده
ابراهیم نامداری^۱ نسیبه طاهری^۲ نرگس لرستانی^۳ مسعود باوان‌پوری^۴
تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۱۷

Shared Themes of Patriotic Love in Poems by Ebrahim Tooqan and Tahereh Safarzadeh

E. Namdari¹

N. Taheri²

N. Lorestani³

M. Bawanpori⁴

Abstract

چکیده

A key theme in poems by contemporary Iranian and Arab poets, patriotism or love for the homeland is an honor of man over the course of history. Nationalist Palestinian and Iranian poets Ebrahim Tooqan and Tahereh Safarzadeh are among such poets whose patriotic love can be vividly seen in every part of their poetry. Represented by the name of Palestine and Iran, their poems are considered part of the poetry of resistance in the world. Their poems share themes such as patriotism, freedom and justice, praise for heroes and martyrs of the homeland, call for struggle for the homeland and creating hope for a brilliant future for the homeland. In expressing love for their homeland, the two poets have used symbols and myths to refer to enemies and colonialists of their homeland, pushing their people to put up resistance against injustices of the oppressing rulers of the time. However, symbols and myths are highlighted more prominently and concretely in poems by Safarzadeh than Ebrahim Tooqan. The present paper intends to look at patriotic love in their poetry, examining shared political and social themes related to patriotism through examples.

Keywords: Ebrahim Tooqan, Tahereh Safarzadeh, Comparative Literature, Patriotism

وطن‌دوستی یا عشق به میهن یکی از افتخارات انسان در طول تاریخ و جزو مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار شاعران معاصر عرب و فارسی است. از جمله این شاعران، شاعران ملی‌گرای فلسطینی و ایرانی، ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده هستند که احساس عشق به وطن در جای جای اشعارشان به‌خوبی آشکار است. شعر این دو شاعر جزئی از شعر مقاومت در جهان است که با نام فلسطین و ایران تجلی می‌یابد. در شعر دو شاعر بن‌مایه‌های مشترکی مانند وطن‌پرستی، آزادی و عدالت‌خواهی، مدح قهرمانان و شهیدان وطن، دعوت به مبارزه در راه وطن و کاشتن بذر امید نسبت به آینده درخشان وطن را می‌توان مشاهده کرد. دو شاعر در بیان عشق خویش به وطن از نمادها و اساطیر برای اشاره به وجود دشمنان و استعمارگران وطن خویش بهره گرفته‌اند و با این کار توانستند مردم سرزمین خویش را به پایداری و مقاومت در برابر بیداد حاکمان ظالم زمان برانگیزانند، با این تفاوت که حضور نمادها و اسطوره‌ها در شعر صفارزاده بیشتر و ملموس‌تر از شعر طوقان است. در مقاله پیش رو بر آنیم به بررسی مفهوم عشق به وطن در اشعار این دو شاعر پردازیم و مضامین مشترک سیاسی و اجتماعی مرتبط با میهن‌دوستی در اشعار آن‌ها را به صورت تطبیقی و با ارائه شواهد بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: ابراهیم طوقان، طاهره صفارزاده، ادبیات

تطبیقی، وطن‌دوستی

1. Assistant professor in Arabic language and literature in Payame_Noor UN.
2. M.A Arabic language and literature student in Payame_Noor UN of Kermanshah.
3. PH.D Arabic language and literature student in Azad UN of Garmsar.
4. M.A Arabic language & literature and the Member of Young Researchers Club in Azad UN of South EslamAbad

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور کرمانشاه.
۳. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
۴. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب و عضو پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب.
masoudbavanpouri@yahoo.com

مقدمه

از حس وطن‌دوستی دو شاعر بزرگ و ملی‌گرای فلسطین و ایران است.

سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

سؤالاتی که این پژوهش در جهت پاسخ به آن‌ها به رشته تحریر درآمده است: ۱. ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده تا چه میزان به وطن خویش علاقه داشته‌اند؟ ۲. آنان این علاقه را چگونه منتقل کرده‌اند؟ ۳. دو شاعر در این راه از چه لوازمی بهره برده‌اند؟

فرضیه‌های پژوهش نیز عبارتند از: ۱. دو شاعر در شعر خویش توجه خاصی به وطن داشته‌اند. ۲. آنان در قالب استفاده از اسوه‌ها و نمادها گاهی این مطالب را القا کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

درباره شعر ابراهیم طوقان مقالات متعددی به صورت مجزا و تطبیقی نوشته شده است از جمله: مقاله «ابراهیم طوقان؛ پایه‌گذار شعر مقاومت فلسطین» (۱۳۸۶) از کبری روشنفکر و کاظم عظیمی در شماره هشتم مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی؛ مقاله «مقایسه ناسیونالیسم در اشعار ملی عارف قزوینی و ابراهیم طوقان» (۱۳۸۸) از مهدی ممتحن و فروغ الهی در مجله مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت (س ۳، ش ۱۰)؛ مقاله «بررسی بازتاب عشق به وطن در شعر بهار و ابراهیم طوقان» (۱۳۹۰) از علی سلیمی و پیمان صالحی در مجله مطالعات ادبیات تطبیقی (س ۴، ش ۱۵)؛ مقاله «جایگاه توده مردم در جریان‌های سیاسی از منظر عارف قزوینی و ابراهیم طوقان» (۱۳۹۲) از ناهده فوزی و فروغ الهی در مجله بهارستان سخن (ش ۲۳).

در مورد طاهره صفارزاده نیز مقالات ارزشمندی نگاشته شده است همچون مقاله «تجلی مضامین اعتقادی در شعر طاهره صفارزاده» (۱۳۹۰) از یونس شعاعی و فاطمه مدرسی در نشریه گوهر گویا (ش ۲، دوره ۵)؛ «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» (۱۳۹۱) از احمد غنی‌پور ملک‌شاه، احمد خلیلی و سید محسن مهدی‌نیا چوبی در نشریه ادبیات پایداری (س ۴،

ادبیات در ماندگاری ارزش‌ها و اندیشه سهمی بزرگ و انکارناپذیر دارد و ویژگی‌های ادبی، فرهنگی و زبانی همه ملل جهان را با همه اختلاف ظاهری و زبانی معرفی می‌کند. پرواضح است که بسیاری از شاعران ایران‌زمین با دیگر شاعران جهان از جمله شاعران عرب همانندی دارند. تراژدی فلسطین از زمانی که تحت قیمومیت دولت بریتانیا قرار گرفت تاکنون یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی بوده که ذهن مردمان جهان عرب را به خود مشغول داشته است. بنابراین جای تعجب نیست اگر شاعران فلسطینی بخش اعظم شعر خود را به فلسطین و مسائل آن اختصاص داده باشند. ابراهیم طوقان شاعر بزرگ فلسطینی شاعری از دوره دوم شعر معاصر فلسطین است. در این دوره «با پایان یافتن جنگ جهانی اول، سیمای سنگدل بریتانیا که تا دیروز از آن به‌عنوان منجی مردم عرب یاد می‌کردند مشخص شد و این امر موضوع شعر بسیاری از شاعران شد. ظاهراً جنگ قدرت در فلسطین با قبول قیمومیت بریتانیا اندکی آرام گرفت و کشمکش فلسطینی‌ها با یهودیان و دولت قیم، موضوع اصلی شعرهای فلسطین شد» (جبار، ۱۹۹۸: ۱۰۶). از جمله شاعران این دوره ابراهیم طوقان، عبدالکریم الکریمی، شیخ ابراهیم الدباغ و... را می‌توان نام برد (عطوات، ۱۹۹۸: ۱۱۰). طاهره صفارزاده نیز از شاعران معاصر ایرانی است که «سروده‌های او به طور محسوسی منعکس‌کننده مسائل و دغدغه‌های اجتماعی است. وی با توجه به داشتن اعتقادات مذهبی، در زمینه‌های ملی - میهنی و دینی - آیینی که جلوه‌های مقاومت در آن هویداست، اشعاری نیکو سروده است» (مدرسی و خجسته‌مقال، ۱۳۹۳: ۳۶۶-۳۶۷).

ضرورت و هدف پژوهش

هر دو شاعر اشعاری زیبا و نیکو در مورد عشق به وطن دارند و همین اشتراکات و پیوند میان ملت مظلوم فلسطین و ملت ایران ضرورت اصلی در شکل‌گیری این جستار بوده است. هدف از این نوشتار بهره بردن از بن‌مایه‌های مشترک عشق به وطن در اشعار ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده و ارائه تصویری دقیق و جامع

و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است (میرجلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). از پیامبر (ص) روایت شده است: «حَبَّ الْوَطْنِ مِنَ الْإِيْمَانِ» (حرّ عاملی، بی‌تا: ۸/ ۱۱). حضرت علی (ع) نیز عامل آبادی سرزمین‌ها را عشق به آن‌ها دانسته است: «عُمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۷۵).

سرزمین برای شاعر همه چیز است و وی وظیفه خود می‌داند که با زبان خویش از آن دفاع کند و علاقه درونی‌اش را نمایان سازد. دو ملت فلسطین و ایران به خاطر جنگ‌های ناخواسته‌ای که برضد آن‌ها شکل گرفت متحمل خسارت‌ها و زیان‌های فراوانی شدند. شاعران و ادیبان متعهد که وطن خویش را در خطر می‌دیدند برای ابراز وطن‌دوستی از هیچ کوششی دریغ نکرده و با زبان خود، مردم را به وطن‌دوستی و حفظ وطن تشویق کردند.

شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس ایران به‌عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد با دشمن نقش بسزایی داشت. نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی «برانگیختن، بسیج کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است» که به مسئله مبارزه کمک می‌کند (کنفانی، ۱۹۶۸: ۵). ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده به‌عنوان نسلی که خود از نزدیک حوادث جنگ را مشاهده کرده‌اند در شعر خویش زمینه‌های مشترک فراوانی در مورد عشق و علاقه به وطن دارند که در پژوهش پیش رو می‌کوشیم با بهره‌گیری از مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی این اشتراکات را واکاوی کنیم.

نگاهی مختصر به زندگی و شعر ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده

ابراهیم طوقان در سال ۱۹۰۵ میلادی در خانواده‌ای دوستدار علم و ادب در نابلس به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه الرشیدیّه همان شهر به اتمام رساند و در سال ۱۹۲۳ در دانشگاه امریکایی بیروت به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۹۲۹ فارغ‌التحصیل گردید. در این مدت روزنامه‌های لبنان، اشعار او را چاپ می‌کردند. ابراهیم در

ش ۷؛ مقاله «اسطوره‌وارگی مفاهیم زنانه در شعر طاهره صفارزاده» (۱۳۹۲) از نسرين گلبانچی و عیسی داراب‌پور در مجله زن و فرهنگ (ش ۱۸)؛ مقاله «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» (۱۳۹۳) از فاطمه مدرسی و زهرا خجسته مقال در نشریه ادبیات پایداری (س ۵، ش ۱۰).

در مورد مقایسه تطبیقی وطن‌دوستی نیز چندین مقاله مشاهده شد مانند مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی» (۱۳۸۸) از ناصر محسنی نیا و فاطمه دانش در نشریه ادبیات تطبیقی کرمان (دوره ۱، ش ۱)؛ مقاله «وطن‌دوستی در سروده‌های اخوان ثالث و ایلیا ابوماضی» (۱۳۹۰) از بهجت السادات حجازی و فائزه رحیمی در نشریه ادبیات تطبیقی کرمان (دوره ۳، ش ۵).

اما در موضوع بررسی تطبیقی تجلی عشق به وطن در اشعار ابراهیم طوقان و طاهره صفارزاده مقاله‌ای نوشته نشده است.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو با رهیافتی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی فراهم آمده است؛ بدین ترتیب که ابتدا منابع درباره وطن‌دوستی بررسی می‌شود و در ادامه با این رویکرد، وطن‌دوستی دو شاعر را تحلیل و واکاوی می‌کنیم.

مبانی نظری پژوهش

اصل دفاع از وطن و تأکید بر وطن‌دوستی، ذاتی بشر و یکی از زمینه‌های تفکر در شعر معاصر است که سابقه‌ای طولانی دارد. وطن زادگاه و مکانی برای حفظ اموال، ناموس، عزت و شرف انسان است و به همین جهت یکی از نشانه‌های خردمندان، دلدادگی به وطن است. اسلام نیز محبت به وطن را که جزو ذات و سرشت انسان و اجتماعات بشری است تأیید کرده است: «وطن از عناوینی است که نزد همه انسان‌ها و نیز در ادیان آسمانی و به‌خصوص دین مقدس اسلام مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار [است] و در آموزه‌های دینی به محبت

همه آرزوهایش و جایگاه شکوه و روشنایی و مایه نجات و امید می‌داند. شاعر خود را عاشقی شیفته و وطن را معشوقی دلربا تصور می‌کند که به عشق او ترانه عاشقانه سر می‌دهد. وی در این بخش با تکرار کلمات، علاقه خویش به وطن و خاک و هوای آن را نمایان می‌سازد و امیدوار است روزی دوباره کشورش را سالم و پاک از وجود بیگانگان بیابد: «مَوْطِنِي مَوْطِنِي / الْجَلالُ وَالْجَمالُ وَالسَّنَاءُ وَالْبَهَاءُ فِي رُبَاكُ فِي رُبَاكُ / وَالْحَيَاةُ وَالنَّجَاةُ وَالْهِنَاءُ وَالرَّجَاءُ فِي هَوَاكُ فِي هَوَاكُ / هَلْ أَرَاكَ هَلْ أَرَاكَ سَالِمًا مُنَعَمًا وَغَانِمًا مُكْرَمًا» (طوقان، ۲۰۰۵: ۷۵).

نگاه صفارزاده به هیچ وجه نگاهی بومی و مقید نیست. اندیشه او در تبادل و مناسبات سیاسی - اجتماعی جهان شکل می‌گیرد. شاعر بیان می‌کند که علاوه بر وطنش، کشورهای دیگر از جمله افغانستان به ظلم و ستم دشمنان گرفتار شده و مردم در آنجا بدون هیچ گناهی از بین می‌روند. تعهد قومی و عشق او به دیگر کشورها بیانگر شعر قومی و ملی صفارزاده است. او نیز برای بیان این موضوع از عنصر تکرار (کلمات فغان و افغان) بهره برده است: «جغرافیای جور و ستم / اعلام کرده / فغان و ناله و افغان هم / وطن دارند / در سرزمین فغان و افغان / در افغانستان انسان بی‌گناه / کشتار می‌شود» (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۷).

مفهوم آزادی و عدالت‌خواهی در وطن

بحث آزادی و عدالت‌خواهی، یکی از موضوعات مهم ادب معاصر است و شاعران معاصر برای تحقق آزادی در وطن خویش بسیار کوشیده و از نبود آن در وطنشان ناراضی‌اند. ابراهیم طوقان و صفارزاده نیز مانند این شاعران، فریاد آزادی و عدالت‌خواهی سرداده و از دخالت استعمارگران در امور کشورشان ناخشنودند چنانکه طوقان در برخی از قصاید خود از این اصل دفاع کرده است. شاعر، رهبران داخلی کشور را خطاب می‌کند که زبان‌ها اجازه بیان اعتراض ندارند و باید سکوت اختیار کنند. او در این بیت به نبود آزادی در وطن اشاره می‌کند: «یَا رِجَالَ الْبِلَادِ / يَا قَادَةَ الْأُمَّةِ / ماذا دهاکم و دهاکم؟ / هل لَدیکم سیاسة غیر هذا القول تُحیی من النفوس قواها / صکت الألسن المسماع حتی /

دانشگاه با ادیبان و شاعران برجسته‌ای مانند حافظ جمیل، وجیه بارودی و عمر فروخ که بعدها زندگینامه وی را نوشت آشنا شد. در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۲ در گروه زبان عربی دانشگاه امریکایی بیروت تدریس کرد. در سال ۱۹۳۶ مدیر گروه عربی رادیو قدس شد و مدت چهار سال در این سمت باقی ماند. وی در سال ۱۹۴۱ م. درگذشت (بکار، ۲۰۰۴: ۸۱؛ خضراء الجیوسی، ۲۰۰۱: ۳۵۴؛ المحاسنی، ۲۰۰۷: ۱۰). غالباً ابراهیم طوقان را «پایه‌گذار شعر مقاومت فلسطین به شمار می‌آورند» (روشنفکر و عظیمی، ۱۳۸۶: ۱۱۷). «ابراهیم طوقان شاعری است که در سال‌های آغازین ادبیات مقاومت معاصر فلسطین پا به عرصه ظهور نهاد. حس میهن‌دوستی، آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی وی به حدی بوده که در میان خیل عظیم شاعران مقاومت ادبیات فلسطین به «شاعر ملی» ملقب گشته است» (حسن شراب، ۲۰۰۶: ۱۵۰).

طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم متعهد در سال ۱۳۱۵ ش. در سیرجان در خانواده‌ای متوسط با پیشینه‌ای از مردان و زنانی با نگرش و رفتاری عرفانی و روحیه‌ای ستم‌سبز به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به خارج از ایران رفت و با تحصیل در حوزه‌های نقد ادبی و نقد عملی موفق به کسب درجه M.F.A شد. پس از بازگشت به ایران همزمان با شاعری به تدریس در دانشگاه و ترجمه آثار مختلف مشغول شد. در سال ۲۰۰۶ م. سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا او را به‌عنوان شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزید. وی سرانجام در چهارم آبان ۱۳۸۷ ش. در بیمارستان ایرانمهر دیده از جهان فروبست. در حوزه تألیف و ترجمه علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی، ادبی، دینی و اجتماعی، از صفارزاده یک مجموعه داستان، دوازده مجموعه شعر، چهار گزیده اشعار و دوازده اثر ترجمه یا درباره نقد ترجمه منتشر شده است (اکبری و جلیلی، ۱۳۸۹: ۴۶).

تحلیل مفاهیم عشق به وطن در شعر دو شاعر

وطن‌پرستی

یکی از مواردی که دو شاعر به آن پرداخته‌اند وطن‌پرستی است. ابراهیم طوقان در قصیده «وطنی أنت لی» وطنش را

فخر و ستایش قهرمانان و شهدای وطن

«فخر نوعی مدح است که طی آن، شاعر کارهای خوب و پسندیده خود را می‌ستاید و فضایل و مکارم اخلاق خود را به تصویر می‌کشد. گاهی فخر، خودِ شاعر را در بر نمی‌گیرد بلکه قوم یا جماعتی را شامل می‌شود که شاعر به آن‌ها منسوب بوده و اعمال نیک و مجد و عظمت آن‌ها را می‌ستاید که به آن فخر گروهی گفته می‌شود» (ابراهیمی کوری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

یکی دیگر از مضامین مشترک شعری دو شاعر که در جای جای اشعارشان به آن پرداخته‌اند ستایش قهرمانان وطن و شهیدان است که بیانگر حس وطن‌دوستی آن‌هاست. طوقان با افتخار به قهرمان وطن، او را کسی می‌داند که برای نجات دیگران از ظلم و ستم، بندها و قیدها را می‌شکند و چنین فردی در مقابله با مرگ حتی از سنگ‌ها نیز سخت‌تر است: «بَطْلِي يُحِطُّمُ قَيْدَهُ / رَمَزًا لَتَحْطِيمِ الْقَيْودِ / بَطْلِي أَشَدُّ عَلَى لِقَاءِ الْمَوْتِ / مِنْ صَمِّ الصَّخُورِ» (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۸۲-۲۸۳).

صفارزاده نیز در قالب شعر، یاد و خاطره قهرمانانی را که برای حفظ ایران جانفشانی کردند زنده نگه داشته است. او دلاوری‌های مدافعان میهن را این‌گونه توصیف می‌کند: «و نوجوانان/ دور از حصار تجزیه و تحلیل/ یک شبه مرد جوان شدند/ پهلوان شدند/ در جبهه/ رزمندگان دنبال مقصد ثارالله/ همواره/ مجموعه شهادت را/ مانند نعمتی/ از هم ربوده‌اند/ آوازه دلاوری آنان/ چونان حکایت همیشه مظلومان/ پشت حصار از/ رسانه‌های جمعی سلطه/ اسیر می‌ماند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۴). یا در جای دیگر، دلاوران وطن را می‌ستاید: «سال گذشته/ سال دلاوری مردان بود/ سال محاربه با نامردان/ جهان/ اجیر جهانخواران بود/ جهان/ پر از خصومت با مظلومان/ جهان پر از عداوت با ما بود» (همان: ۱۲).

یکی از بارزترین ابعاد جهاد در راه خدا، شهادت و ایثار در راه وطن است. از خصوصیات شعر وطنی شاعران ملی، ستایش شهیدان است که در بسیاری از اشعارشان انعکاس یافته. «شهادت برای انسان‌های پاک‌باخته و از دنیا وارسته‌ای که خداجویند و عاشقانه راه می‌پویند، راه میانبری است که

لقیّت من ضجیجکم ما کفاه» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۰۰).

آزادی به‌عنوان یکی از مضامین مشترک، در شعر صفارزاده نیز تجلی یافته است. وی رشادت و دلیری مردم را می‌ستاید که طالب آزادی‌اند زیرا استعمارگران داخل وطن، مشکلات و سختی‌های زیادی را برای آن‌ها پدید آورده است:

«و قامت بلند ایمان/ به سوی جنگ و شهادت برخاست/ شما که طالب آزادی هستید/ همواره گام‌های اجانب/ اعصابتان را لگدکوب کرده است» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۲).

از دیگر آرمان‌ها و مضامین شعری مشترک دو شاعر، عدالت‌خواهی است. طوقان در برخی اشعارش به این مضمون اشاره می‌کند و از نبود عدالت در وطن رنج می‌برد. یکی از آرمان‌های دو شاعر، انتقاد از بی‌عدالتی‌های حاکمان مستبد است که به مبارزه با آن پرداخته‌اند. هدف از این مطالب، بیداری مردم از غفلت و جهلی است که حکام بر آنان روا داشته‌اند. طوقان با لحن تمسخرآمیزی، بی‌عدالتی دولت بریتانیا را به سخره گرفته و اعتراض خود را نسبت به مسئله قیومیت و قرارداد بالفور بیان می‌کند: «قد شهدنا لعهدکم (بالعدالة) / و ختمنا لجندکم بالبسالة / و عرفنا بکم صدیقاً و فیاً / کیف نسی انتدابه و احتلاله / و خجلنا من (لطفکم) یوم قلتم: / وعد بلفور نافذ لا محالة» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۳۲).

اندیشه صفارزاده در مورد مبارزه با ستم و تلاش برای ایجاد عدالت، از اعتقاد او به عدالت خداوند نشئت گرفته است. خدا نیز انسان را به جانبداری از حق و مبارزه در راه آن فرامی‌خواند و شاعر در برخی اشعارش به این مهم پرداخته و به این بی‌عدالتی‌ها اعتراض کرده است. وی از بی‌عدالتی حاکمان ستمگر و مستبد زمانه‌اش سخن گفته که به علت مکر و سیاست‌بازی آن‌ها مردم از عدالت و آزادی محروم شده‌اند: «بنا به مصلحت روزگار/ ناگاه/ از عدالت و آزادی می‌گوید/ فرقی به نزد ملت دنیا نداشتند/ چراکه جهل پراکنده‌ست/ و مکر و سیاست‌بازی/ همیشه با هم هستند/ همیشه همراهند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۵۱).

عمر آن افزوده و سرمایه تأثیرگذاری آن فراهم شده است (بیدج، ۱۳۹۰: ۱).

از دیگر مضامین شعری هر دو شاعر دعوت به مبارزه است. ابراهیم طوقان مردم را به مبارزه با ظلم و ستم حاکمان ظالم فرامی‌خواند تا غبار ظلم و ستم را از خود بزدایند و در مورد دشمنان مستبد بی‌رحم به مردم وطنش هشدار می‌دهد:

«یا قومُ لیس عدوکم / ممن یلین و یرحم / یا قومُ لیس
أمامکم إلا الجلاء فحرّموا» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۳).

شاعر رسیدن به مجد و بزرگی وطن به وسیله جوانان میهن و دستیابی به آرزوها را نتیجه تلاش آنان می‌داند: «مجدُ البلاد / بالشباب العالمین / والاجتهاد للعلی نهجٌ مبین / هُبُوا
إذن و اجنوا الثمن عز الوطن / مدی السنین / إن العمل یحیی
الأمل» (همان: ۵۱۹).

صفارزاده با الهام از مضامین دینی و مذهبی خود در دفاع از میهن و عشق‌ورزی به آن در مقابل استعمارگران می‌ایستد و مردم را به ایستادگی و مقاومت فرامی‌خواند: «ما ایستاده‌ایم / در پای پرچم / در پای پرچم هیئات / هیئات من الذلّه / و پرچم ایستاده / زیر پرچم حق / سردار و سربلند / و ایستادگی ما / به ایستادگی پرچم / در زیر پرچم است» (صفارزاده، ۱۳۸۴ ب: ۸۶). او در جای دیگر قهرمانی و خیزش و بیداری دلاوران را ستوده و حرکت دلاورمردان را توفنده توصیف کرده که در مواجهه با دشمن آرام و قرار ندارند و برای اینکه دشمن را شکست دهند همواره به مقاومت و مبارزه با دشمن ادامه می‌دهند: «برضد اتحاد تعرّض / این رشته طلوع و غروب / برنامه شبانه‌روز شماسست / توصیف جاودانه موجید / توفنده / بی‌خواب / بی‌قرار / پیوسته رو به ساحل ناآرامی / پیوسته رو به صخره دشمن دارید / و در شکست هر شورش / دوباره می‌شورید» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۳).

نارضایتی از اوضاع نابسامان و فقر در وطن

ابراهیم طوقان علاوه بر اینکه در اشعار خود تاریخ گذشته عرب و شخصیت‌های قهرمان و مبارز در راه وطن را تمجید می‌کند در مواردی نیز حاکمان داخلی و بی‌تفاوتی آن‌ها را

آن‌ها را زودتر و سریع‌تر از آن‌ها که از راه‌های دیگر در پی رستگاری‌اند به هدف‌های والایی در مسیر قرب الهی می‌رساند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۰).

ابراهیم طوقان شهیدان را برای اینکه در راه رسیدن به آزادی و اهداف بزرگ کشته شده‌اند به ماه و خورشید تشبیه کرده است. او شاعر شهیدی را توصیف می‌کند که خون او در راه دفاع از وطن در برابر ظلم و ستم ریخته شده است. او شهیدان وطن را به خورشید و ماه تشبیه کرده که پیوسته می‌درخشند: «صَبَّ الشَّهِيدُ دَمَهُ وَ قَرَبَهُ / يَقُولُ: إِنَّ الْمُهَجَّ الْمَخْضَبَهُ / أَدْفَعُ لِلضَّيْمِ عَنِ الْأَوْطَانِ / ... / أَوْلُتْكَ الشَّمْسُ وَ الْبَدْوُ / دَائِمَةَ الْأَشْرَاقِ لَا تَغُورُ» (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۲۹).

شاعر در جای دیگر در قصیده «الأبطال الثلاثة» به توصیف جاودانگی و جایگاه شهیدان می‌پردازد. او قهرمانان وطن را توصیف می‌کند که در بهشتند و در آنجا دیگر هیچ طغیان و ظلمی نیست: «أَجْسَادُهُمْ فِي تَرْبَةِ الْأَوْطَانِ / أَرْوَاحُهُمْ فِي جَنَّةِ الرِّضْوَانِ / هُنَاكَ لَا شَكْوَى مِنَ الطُّغْيَانِ / وَ هُنَاكَ فَيُضُّ الْعَفْوُ وَ الْغَفْرَانِ» (همان: ۲۸۵).

شهادت و شهادت‌طلبی یکی از زیباترین مفاهیم مورد توجه شاعران انقلاب بوده است. اندیشه صفارزاده برگرفته از مکتب اسلام است. او منزلت شهیدان را چنین ارزیابی کرده: «آه ای شهید / دست مرا بگیر / با دست‌هایی / کز چادرهای زمین کوتاه‌تر / است / دست مرا بگیر / من شاعر هستم / با جان زخم دیده / من آمده‌ام که پیش شما باشم / و در موعود / دوباره با هم برخیزیم» (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۱). یا مانند «تو هم شهیدی / شاهی / شهادت داده‌ای / بهشت منتظر توست» (همان: ۵۴).

دعوت به مبارزه در راه وطن

شاعران عرب، نه امروز بلکه از آغاز عمر شاعری، به کنده‌کاری کلمات سازنده قیام و خیزش و بیداری در روح ملت‌ها دلمشغول بوده‌اند. در این میان، به این نکته نیز باید توجه کرد که سروده‌های پیرامون بیدار کردن و دعوت به قیام، الزاماً شاکله‌واژگانی نزدیک به شعار و مستقیم‌گویی ندارد بلکه هر سروده‌ای که از شعارزدگی به دور باشد بر

کند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۳۱).

از مضامین و درون‌مایه‌های مشترک دو شاعر، اعتراض به فقر و فساد و اوضاع نابسامان کشور است. طوقان عامل چنین اوضاعی را حاکمان ستمگر وطنش می‌داند و انگلیسی‌ها را خطاب کرده و به زندگی اجتماعی مردم عرب اشاره می‌کند و می‌گوید حاکمان مستبد از زمانی که سرزمین‌ها را مالک شده و اشغال کرده‌اند فقر و ستم و فساد را در نواحی نابلس (وطن شاعر) انتشار داده‌اند: «منذ احتلتم و شؤم العیش یرهقنا/ فقرًا و جورًا و إتعاسًا و إفسادًا/ و الیوم من شؤمکم/ نبلی بکارثه/ هذا هو الطین و الماء الذی زاد» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۹).

صفارزاده نیز در اشعارش به این موضوع اعتراض می‌کند. او از فقر و محرومیت مردم و نابسامانی اوضاع وطن می‌گوید و از حاکمان زمان خود شکایت می‌کند: «قحطی/ گرسنگی و آفت را/ به کشتزارهای شمالی آورده‌ست/ و این جنوب و شمال هم/ در واژه‌سازی سلطه‌گران/ الفاظ ویژه جغرافیای تزویرند/ چندان‌که در تصرف عدوانی» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۲۸).

ایجاد امید نسبت به آینده روشن وطن

یکی دیگر از بن‌مایه‌های مشترک وطن‌دوستی در شعر دو شاعر، ایجاد امید نسبت به آینده روشن وطن است. طوقان از شوق و شادی خود سخن گفته و اینکه اندوه و غم او به شادی تبدیل شده است: «و النائی صبَّ النغم/ و بثَّ فی الوهاد/ کزفرة الأشواق/ غبَّ الفراق/ نسی الطیر همَّ حین غنی/ قلما یستقرُّ همَّ الطروب» (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۰۰). در جای دیگر شاعر امید به پیروزی را نوید می‌دهد. وی وطن را به «آبی» تشبیه کرده است. او امید به آینده و پیروزی بر دشمن را به تصویر کشیده: «کلنا یطربُ/ لانتصار الأبی/ این جیش العدا/ إن دعا للجهد/ أصبحوا أعبدًا/ بالسیوف الحداد» (همان: ۵۱۸).

امید و خوش‌بینی به آینده از جمله مؤلفه‌هایی است که در اشعار صفارزاده دیده می‌شود. شاعر متعهد و وظیفه خود می‌داند که وقتی از نظر شرایط سیاسی و اجتماعی فضای غم و اندوه بر جامعه حاکم

درباره مسائل کشور که اکنون به تصرف استعمارگران درآمده است سرزنش می‌کند. او از زندگی اجتماعی و سیاسی اعراب معاصر که زمین‌ها را به استعمارگران فروخته‌اند تصویری تراژیک ارائه می‌دهد؛ زمین‌هایی که از هر چیزی گران‌تر است و مال و طلا با آن برابری نمی‌کند. شاعر با ناله و اندوه و لحن هجوآمیز، حاکمان داخلی را برای بی‌توجهی به منافع و امور کشور نکوهش می‌کند و فروختن زمین را خطری برای آینده قوم و وطنش می‌داند: «باعوا البلاد الی أعدائهم طمعًا/ بالمال، لکنما أوطانهم باعوا/ قد یعذرون لو أن الجوع أرغمهم/ و الله ما عطشوا یومًا و لا جاعوا/ و بلغة العار عند الجوع تلفظها/ نفس لها عن قبول العار رداع/ أعداؤنا، منذ أن کانوا، صیارقة/ و نحن، منذ هبطنا الأرض، زراع» (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۹۲).

در شعر ابراهیم طوقان علاوه بر استعمارگران خارجی، رهبران داخلی یعنی کسانی که امور کشور را در دست دارند ریشخند مسخره می‌شوند زیرا آنان در حق مردم و امور کشور ظلم و ستم کردند. شاعر با لحن تمسخرآمیز، رهبران فلسطین را خطاب می‌کند و می‌گوید ما فضل شما را انکار نمی‌کنیم و ما امنیت داریم. نیمی از وطن در اختیار ماست (مهاجرت یهود به فلسطین و تصرف زمین‌ها). و به حالت ریشخند از رهبران داخلی می‌خواهد استراحت کنند تا بقیه وطن نیز از دست برود: «جحدنا (أفضالکم) غیر أنا/ لم نزل فی نفوسنا أمنيّة؛/ فی یدینا بقیّة من بلاد/ فاستریحوا کیلا تطیر البقیّة» (همان: ۳۴۰).

صفارزاده نیز همین مضمون را در اشعارش آورده است. شاعر، نقاب از چهره جنایت‌آمیز حاکمان داخلی و خارجی برمی‌دارد و مردم را نکوهش می‌کند زیرا وجود دشمنان در وطن و قدرت یافتن آن‌ها در وطن را ناشی از سهل‌انگاری مردم می‌داند. شاعر دشمنان را تحقیر می‌کند و آن‌ها را دزد می‌خواند: «در باغ‌هایمان/ جان جوانه‌ها را/ از اشتیاق رویش خالی کردند/ و ما با دستمزد خویش/ کالافروش دکه بیگانگان شدیم/ و خادمین جشن‌های رسمی گانگسترها/ و خانه‌مان/ انبار اسلحه دشمن بود/ ما خواب بودیم/ ما بیش از آن در خواب بودیم/ که مهمه پای دزدان/ دزدان داخلی و خارجی/ بیدارمان

نماد مقاومت در زمانه خویش قرار داده و ظلم را نپذیرفته‌اند.

نمادهای انسانی

نمادهای انسانی در شعر ابراهیم طوقان

حضرت محمد (ص): این شخصیت دینی، نماد دین و ارزش‌های اسلامی در دوران معاصر است. شاعر رعایت کردن شرایع و قانون در کشور را در شخصیت پیامبر (ص) جستجو می‌کند: «نزل الكتاب علی النبیِّ لمحمدٍ / ما یصنع الخطباءُ و الشعراءُ» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۱۱).

حضرت یوسف (ع): طوقان از دلالت تاریخی شخصیت حضرت یوسف (ع) که با وضعیت مردم فلسطین سازگار است بهره برده و رنج آن‌ها را بیان کرده است. شاعر این شعر را برای احمد شوقی سروده که می‌خواست فلسطین را ببیند. از این رو طوقان به او می‌گوید که به سرزمین حطین (مصر) بیاید و قلبش بسوزد و می‌پرسد آیا در آنجا آثاری از یوسف می‌بینی؟ «عَرَّجَ عَلَی حَطِّینَ / و اخشَعُ یشْجُ قلبک ما شجانی / و انظُرْ هُنَالِکَ هل تری / آثار یوسف فی المکان» (همان: ۳۱۸).

حضرت نوح (ع): شاعر در بیان رنج غربت و اوضاع نابسامان وطنش از شخصیت نوح (ع) بهره می‌گیرد: «من کان ینکر نوحًا أو سفینتَه / فإِنَّ نوحًا بأمر الله قد عادا» (همان: ۳۴۸).

نمادهای انسانی در شعر طاهره صفارزاده

امام حسین (ع): صفارزاده در شعرش شخصیت‌های دینی همچون امام حسین را به الگویی کارآمد برای نسل امروز تبدیل کرده است زیرا امام حسین مظهر شهادت، عدالت‌خواهی، فداکاری و ایثار و سمبل مبارزه با حکومت ظالم بنی‌امیه تلقی می‌شود: «در آن شبی که حمله از همه جانب بود / امام حسین (ع) / آن آفتاب حق و شهادت / از ارتفاع مهر و عنایت / بر توده‌های ابر تو خوابید / از هیبتش ددان به قعر گمشدگی رفتند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۵).

مسیح (ع): مسیح نماد رهبری انقلابی و مبارز است و می‌تواند الگویی کارآمد برای مبارزات مردم برضد رژیم مستبد باشد: «تابوت کوچک و سبک او / ظرف

باشد، امید و خوش‌بینی را در مخاطب ایجاد کند. او در اغلب اشعارش به آینده‌ای روشن برای کشورش امیدوار است و پیروزی وطن در برابر دشمنان را نوید می‌دهد: «ای بندگان ظلم جهانخواران / افطار فاتحانه انسان نزدیک است / افطار فاتحانه انسان / فجر شکوهمند رهایی است / اینک دیری است کان طلوع / در قامت بلند شما تاییده‌ست / زیرا شما ز خویش رها هستید / ای نسل ناب / ای نسل بدر» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۲۵).

استفاده از نمادها در مورد وطن

از زمانی که صهیونیسم (۱۹۴۸ و قبل از آن) با حمایت کشورهای غربی تمام توان خود را برای سلطه بر فلسطین به کار گرفت توانست اندک‌اندک بخش‌هایی از این سرزمین را اشغال کند و ساکنان آن را به شهروند درجه دو و «خادمان یهود» (کنفانی، ۱۳۵۶: ۱۴۸) تبدیل نماید و آنان که تحمل این خواری را نداشتند یا به اردوگاه‌ها پناه بردند یا آواره کشورهای مجاور شدند و تنها بخش کمی از آن‌ها در سرزمین‌های اشغالی ماندند. از این تاریخ به بعد، این تراژدی موضوع فراگیر ادبیات به‌ویژه شعر فلسطین شد و از درون شعر معاصر فلسطین، شعر مقاومت ظهور کرد. شعری که در این فضا تولید می‌شود خواه ناخواه بیشتر لحن نمادین دارد، لذا با وجود تهدید از سوی حاکمیت، بیانگر ستم‌ها، محدودیت‌ها و حقایق نادیده گرفته‌شده است. در عین حال سیر تفکر و اندیشه حاکم بر گروه‌ها و طبقات مختلف را از گذشته تا حال مشخص می‌کند و تضادهای میان تفکر حاکم و تفکر مقاوم را نشان می‌دهد (شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰).

نمادگرایی بارزترین مصداق واکنش در برابر حاکمیت فضای استبدادی و نامشروع است (زارع، ۱۳۸۵: ۳۴۵). از آنجا که پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) در طول تاریخ مظهر ایستادگی و مبارزه با ظلم و ستم در برابر دشمنان بوده‌اند هر دو شاعر، این شخصیت‌های مذهبی را الگوی شعری و

کلمات نمادین مرتبط با وطن

دو شاعر درباره استعمارگران و دشمنان از کلماتی نمادین بهره برده‌اند.

کلمات نمادین در شعر ابراهیم طوقان

گرگ: در این شعر، شاعر دشمن را به گرگ تشبیه کرده است: «و يُتَوَجُّ الرَّاعِي بِهَا / مَلَكًا رَعِيَّتَهُ الْقَطِيعُ / الذَّبُّ يَرْهَبُهُ / و يَلْتَمُ كَفَّهُ الْحَمْلُ الْوَدِيعُ» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۴۱).

دزد: در این نمونه، شاعر با به کار بردن دو کلمه دزد و چاسوس، استعمار را تحقیر کرده است: «الظَّالِمُ الْبَاغِي يَسُوسُ أَمْرَهُمْ / وَ اللَّصُّ وَ الْجَاسُوسُ وَ السَّمَسَارُ» (همان: ۳۴۷).

ابلیس: در اینجا نیز دشمن به ابلیس تشبیه شده است: «إِبْلِيسُ أَعْلَنَ صَاغِرًا إِفْلَاسَهُ / لَمَّا تَحَقَّقَ عِنْدَهُ إِغْرَاؤُهَا» (همان: ۳۳۵).

عقاب: در شعر طوقان، النسر (عقاب) نماد دشمنان است که شکوه و جلال آنان از بین رفته است: «كَسَرُوا مِنَ النَّسْرِ الْكَبِيرِ جَنَاحَهُ / ذِي التَّاجِ وَ الْأَعْلَامِ وَ الْأَجْنَادِ» (همان: ۴۴۴).

کلمات نمادین در شعر صفارزاده

گرگ: گرگ تمثیل درندگی و ظلم و ستم است (خیریه، ۱۳۸۴: ۲۰۵). در این شعر، گرگان نماد دشمنان وطنند: «در پهنه دشت هم خبری نیست / شکار گرما پیدا نمی‌شود / هجوم زوزه گرگان / تو را به یک حصار فرامی‌خوانند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۸۷).

دزد: شاعر، استعمارگران داخلی و خارجی را به دزد تشبیه کرده است: «ما خواب بودیم / ما بیش از آن در خواب بودیم / که همه‌م پای دزدان / دزدان داخلی و خارجی / بیدارمان کند» (همان: ۳۱).

شیاطین: در این شعر، دشمنان به شیاطین تشبیه شده‌اند که موجب فتنه‌گری و تفرقه میان مردم شده‌اند: «و او که می‌دانست / که اتحاد شیاطین / جداگر نهانی ملت‌ها / نگوینگر نظام هویت‌هاست» (همان: ۲۷).

زنبور: همچنان‌که نیش زنبور آزاردهنده است شاعر نیز زنبور را سمبل آزار و اذیت دشمنان وطن می‌داند: «مغز و دل طلائی تو / مقصد زنبوران است / آن نیش‌های حریصانه / بی‌مکت و بی‌امان / شهد تو را ز سینه درو می‌کنند» (همان: ۹۱).

خلاصه‌ترین جسم / نشانه بزرگی ایمانش بود / همراه و در هدایت تابوت / مسیح آمده است و امت» (همان: ۲۶). «رابت امت» یکی از پیشتازان استقلال‌طلبی ایرلند بود که در سال ۱۸۰۳ م. به دار آویخته شد (همانجا). صفارزاده میان به دار آویخته شدن رابت امت و مسیح پیوند برقرار کرده است.

حضرت فاطمه (س): صفارزاده همچون دیگر شاعران، حضرت فاطمه را اسوه‌ای مذهبی و نماد صبر و استقامت در برابر ظلم و ستم دشمنان معرفی کرده و چنین سروده است: «همچون غبار / از روی خاک برگرفته شدم / و چون رسیدم / سرم به دامن بانو کشیده شد / آن دامنی که / سر سروران عالم را / پناه بود به دوران / تمام زندگی‌ام بغض بود / علیه ظلم و جهالت» (همان: ۱۰۸).

حضرت مهدی (عج): شاعر منتظر، از اوضاع کنونی و طغیان ناراضی است و در پی رسیدن به افق بی‌کران موعود (عج). درون‌مایه شعر انتظار، عدالت‌خواهی، برابری و پیروزی بر دشمنان است بنابراین با مسائل سیاسی - اجتماعی پیوند خورده است. در این شعر نیز شاعر دنیای آرمانی خود را بیشتر با اتکا به ظهور امام زمان (ع) می‌سازد: «به روز جمعه دیدار / نام تو جمعه است / ای بهترین اهل زمان / ای بهترین اهل زمین / ای یار / ای خجسته‌ترین صبح انتظار» (همان: ۱۴۸).

حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص): حضرت ابراهیم اسوه مبارزه با بت‌پرستی و شرک است. پیامبر نیز اسوه مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم است. شاعر آن دو حضرت را الگویی کارآمد و نماد مبارزه و حق‌طلبی در اوضاع زمانه‌اش دانسته است: «فرمان حرکت این تحریر / از پایگاه حضرت ابراهیم / از پایگاه پاک رسول / از خواستگاه اولیاء خدا آمده» (همان: ۱۰۵).

حضرت علی (ع): حضرت علی در شعر صفارزاده مظهر شهادت و ایثار و مبارزه با دشمنان است: «قلوب آفتابی اللهیان / قلوب خالص دین‌خواهان / به صوت خوب علی گوش می‌دهند / که خوش‌ترین تلاوت عشق از اوست / از مولا» (همان: ۱۲۲).

تحکیم مقاومت در میان امت عرب، از افتخارات درخشان گذشته از جمله از قهرمانانی چون صلاح‌الدین نام می‌برد تا بار دیگر قهرمانی چون او، در این عصر کشورهای عربی را از چنگال اشغالگران اسرائیلی نجات دهد. «ایقظ (صلاح‌الدین) / رَبَّ النَّجَّاحِ وَالسَّيْفِ الیمانی» (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۱۸).

متنبی: ابراهیم طوقان «در این قصیده متنبی را نمادی برای انسان‌های دردمند، و کافور اخشیدی را نماد فرومایگان حاکم در جهان عرب به شمار می‌آورد. وی در این قالب، بی‌لیاقتی و ناتوانی سیاستمداران در عدم مسئولیت‌پذیری در انجام وظایفشان را به استهزاء می‌گیرد» (سلیمی و چقازردی، ۱۳۸۸: ۸۲): «ذاک الذی وقفن عن جنیبه / خلّت ملوک الأرض فی بُردیه / أو الأنام تحت أخصیه / قیل اسجدی خاشعاً لدیه / (فالمتنبی) سیدُ المكان» (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۳۱).

شمعون: شمعون رهبر فتنه آشور بود. در اینجا اسطوره منفی تلقی شده است: «کل لؤم و عقوق دونه / فعل شمعون لئیم الموصل» (همان: ۴۸۴).

کسری: طوقان در این شعر نیز کسری و قیصر را که نماد ظلم و ستمند اسطوره منفی تلقی کرده است چراکه شاعر، اعمال و ظلم حاکمان مستبد زمانه‌اش را به آن‌ها تشبیه کرده: «نکست رأسی و دنوت أعر / فأین کسری هیبه و قیصر» (همان: ۵۳۲).

کافور: کافور در شعر طوقان نماد دشمنان وطن و اسطوره‌ای منفی است و شاعر دشمنان را هجو گفته است: «کافور خالد؟! / و مضحک مُشققُ الکعبین / أسودُ لابیُّ بمشفرین» (همان: ۵۳۲).

اسطوره‌های تاریخی در شعر صفارزاده

رستم: رستم نماد پهلوانی و شجاعت است. صفارزاده رزمندگان دفاع مقدس را به پهلوانانی همچون رستم تشبیه کرده است: «در جبهه دست غیبی امداد / ابر سیاه را / از مسیر هواپیما برمی‌دارد / و او کز نسل غنچگان / این همه یل و رستم / رویانده» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۴۱).

ماردوش: کتاب‌های تاریخی دوران اسلامی به وجود

عنکبوت: عنکبوت نماد دشمنان است و دام خود را می‌بافد تا شکارش در آن بیفتد و بمیرد. لانه‌های عنکبوت در شعر صفارزاده نماد دشمن است: «ای نونهای / هموار و نرم و روشن می‌خوانی / در این تلاوت معصومانه / چونان که در صدای ناب اذان / جان از مجاورت دلتنگی‌ها / از لانه‌های عنکبوتی این روزمره‌ها / پر می‌کشد به خیمه‌های سرمدی بالا» (همان: ۱۳۱).

ددان: در این شعر، شاعر دشمنان را به ددان تشبیه کرده است: «ددان به چهره چو آدم / ددان دست‌نشانده / ددان دست‌آموز / و در بیداری / ضربه‌زنندگان / به ضربه گرفتار آمدند» (همان: ۱۷۵).

کفتار: حیوانی لاشخور است. در شعر صفارزاده نماد دشمن و ظلم و ستم است: «تویی که «منتظری» / چگونه منتظری / که پنجه کفتار کفر / نسوج روح تو را نگسلد / و قلب تو را نشکند / در هر زمان / مهمیز جهل / مهمیز ظلم / بر گرده شعور تو می‌کوبد خواب‌زده / از درک این محاسبه خالی هستند» (همان: ۱۵۰).

روباه: در فرهنگ عامیانه روباه معمولاً سمبل حیله‌گری و نیرنگ است (خیریه، ۱۳۸۴: ۹۲). شاعر، روباه را تمثیل دشمنان مستبد در نظر گرفته که با حیله‌گری و مکر و فریب، خاک وطن را تصرف کرده‌اند: «مردان ظاهری / دهشت‌زده / تو را بسان جذامی‌ها / به محفل تنهایی رانند / روباه روز / روباه شب / مجموعه فریب شبانه‌روز (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۱).

اسطوره‌های تاریخی مرتبط با وطن

از اواسط دهه پنجاه قرن بیستم و بعد از فاجعه ۱۹۴۸ م. تصویرپردازی شعر فلسطین تحول یافت. این تحول باعث شد شاعران در تصاویر شعری خود از رموز اسطوره‌ای الهام بگیرند. هر دو شاعر برای تحکیم مقاومت و بیان افتخارات گذشته از اسطوره‌های تاریخی در شعر خویش بهره برده‌اند.

اسطوره‌های تاریخی در شعر طوقان

صلاح‌الدین: طوقان برای ایجاد حس شجاعت و

منابع

ابراهیمی کاوری، صادق، سکینه اسدی و رضوان لرستانی (۱۳۹۲). «تطبیق مضامین شعری ملک‌الشعرا بهار و سامی البارودی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت. س ۷، ش ۲۵، ص ۹۵-۱۱۶.

اکبری، منوچهر و احمد خلیلی (۱۳۸۹). «بررسی اشعار طاهره صفارزاده از دیدگاه فکری». *بهار ادب؛ فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*. دکتر امید مجد. س ۳، ش ۴، ص ۳۵-۶۷.

بکار، یوسف (۲۰۰۴). *ابراهیم طوقان أضواء جدیدة*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.

بیدج، موسی (۱۳۹۰). «جوشش بهار در پاییز عرب». *روزنامه شرق*، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰، ش ۱۳۶۶.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲). *آثار الباقیة*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: ابن سینا.

جبارة، تیسیر (۱۹۹۸). *تاریخ فلسطین*. بیروت: دار الشروق.

حرانی، ابن شعبه حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *امل الآمل*. بغداد: مکتبه اندلس.

حسن شراب، محمد محمد (۲۰۰۶). *شعراء الفلسطین فی العصر الحدیث*. اردن: الأهلیة للنشر و التوزیع.

خضراء الجیوسی، سلمی (۲۰۰۱). *الاتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث*. بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة.

خیریه، بهروز (۱۳۸۴). *نقش حیوانات در داستان‌های مثنوی معنوی*. تهران: فرهنگ مکتوب.

روشنفکر، کبری و کاظم عظیمی (۱۳۸۶). «ابراهیم طوقان پایه‌گذار شعر مقاومت». *مجله الجمعیه ایرانیه للغة العربیة*، انجمن ایرانی زبان عربی. ش ۸، ص ۱۱۷-۱۳۹.

زارع، غلامعلی (۱۳۸۵). «سیر تحول درون‌مایه‌های اجتماعی در شعر معاصر ایران». رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

دو مار یا دو ازدها بر شانه‌های ضحاک تصریح کرده‌اند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۲۹۷؛ گردیزی، ۱۳۷۴: ۳). مقدسی عامل ماردوشی ضحاک را بوسه ابلیس می‌داند: «گویند ابلیس به صورت پسری نزد ضحاک رفت و بر دوش او بوسه زد و از آنجا دو مار برست که غذای آن‌ها سر آدمیان بود» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۱۲۲). اما در این شعر، شاعر ماردوش را سمبل دشمن می‌داند: «سال گذشته / سال رهایی آن ماردوش بود / از حمل مارها / که یوران بزرگش بودند / و در هلاکت هویت ما / هر صبح و شام / از مغزهای خوب جوانان خوردند» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۱۳).

شمر: در این شعر شمر نماد شخصیتی منفی و ظالم است: «این هیکل تناور ظلمانی / خصمانه می‌نشیند / از تلاطم یک مجهول / بر روی سینه معلوم / شمرانه می‌نشیند / با خباثت یک شیطان / بر روی سینه معصوم» (صفارزاده، ۱۳۸۴ الف: ۷۲).

بحث و نتیجه‌گیری

ابراهیم طوقان شاعر فلسطین و طاهره صفارزاده شاعر ادبیات پایداری ایران، حوادث و رویدادهای فلسطین و ایران را به چشم خویش دیده‌اند و به سبب عشقشان به وطن اشعاری سروده‌اند. لحن حاکم بر اشعار دو شاعر اعتراض به دشمنان خائن است. قصاید دو شاعر بیانگر رنج‌های ملتشان است و این ناشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان عرب و ایران می‌باشد. این دو شاعر در حوزه ادبیات پایداری و عشق به وطن مضامین مشترکی دارند که بیانگر آرمان والای آن‌هاست. در این مقاله با ذکر شواهد به این مضامین پرداختیم؛ از جمله اینکه طوقان و صفارزاده از نمادها و اسطوره‌ها برای تشویق و برانگیختن مردم به مقاومت در برابر ظلم و بیداد حاکمان ستمگر زمانه خود استفاده کرده‌اند. آزادی، عدالت، وطن‌پرستی، استعمارستیزی، تکریم شهیدان و ستایش رشادت دلاورمردان و قهرمانان، فقر و فساد، تشویق به مبارزه، از دیگر آرمان‌های والای دو شاعر است.

- علیرضا نوری زاده. تهران: چکیده.
- _____ (۱۹۶۸). «أبعاد و مواقف من الأدب المقاومة الفلسطينية». مجلة الآداب، بيروت. العدد الرابع. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۷۴). زین الأخبار. به اهتمام عبدالحی حبیبی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- المحاسنی، زکی (۲۰۰۷). ابراهیم طوقان شاعر فلسطین فی حیاته و شعره. قاهره: دار الفکر.
- مدرسی، فاطمه و زهرا خجسته مقال (۱۳۹۲). «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده». نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ش ۹، ص ۳۶۳-۳۸۲.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- میرجلیلی، علی محمد، کمال صحرائی اردکانی و حمیده سادات موسویان (۱۳۹۱). «وطن دوستی از دیدگاه قرآن و روایات». فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، دانشگاه یزد. س ۲، ش ۵، ص ۷-۳۳.
- سلیمی، علی و اکرم چقازردی (۱۳۸۸). «نمادهای پایداری در شعر معاصر مصر: مطالعه موردی پژوهانه امل دنقل». نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۱، ش ۱، ص ۷۱-۸۸.
- شیرازی، کامیار (۱۳۸۲). «رابطه دوسویه ادبیات و انقلاب». مجلة ادبیات داستانی، حوزه هنری. س ۱۱، ش ۷۵-۷۶.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴ الف). دیدار صبح. تهران: پارس کتاب. چ ۲.
- _____ (۱۳۸۴ ب). روشنگران راه. تهران: برگ زیتون.
- _____ (۱۳۸۶). بیعت با بیداری. تهران: هنر بیداری. چ ۴.
- طوقان، ابراهیم (۲۰۰۵). دیوان ابراهیم طوقان، الأعمال الشعرية. بیروت: دارالعودة.
- عطوات، محمد عبدالله (۱۹۹۸). الإتجاهات الوطنية فی الشعر الفلسطيني المعاصر من ۱۹۱۸ إلى ۱۹۶۸. بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. تهران: طوبی. چ ۱۵.
- کنفانی، غسان (۱۳۵۶). با شاخه‌های زیتون. ترجمه